

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۴، پیاپی ۱۴۴، تابستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۶۱-۳۹

شناخت، پیشگیری و درمان مرض وبا در ایران عصر صفوی^۱

محمدعلی پرغو^۲
جواد علیپور سیلاب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

چکیده

بروز بیماری با به چالش کشیدن صحت جسمی و روحی، نهایتاً به نیستی انسان می‌انجامد. پژوهش حاضر براساس این مسئله شکل گرفته است که شناخت، پیشگیری و درمان بیماری عفونی و مهلک وبا در جامعه ایران عصر صفوی به چه نحوی صورت گرفت؟ یافته‌های پژوهش حاضر براساس رویکرد توصیفی-تحلیلی، بیانگر آن است که مقابله با بیماری وبا در چارچوب نظام طب ایران عصر صفوی و مطابق با حوزه‌های معرفتی طب مبتنی بر اخلاط چهارگانه (طیبیان)، مفاهیم شفای مذهبی (جامعه دینی و علما) و باورهای عامیانه و جادویی انجام می‌گرفت. با توجه به نوع شناخت بیماری، از انواع شیوه‌های پیشگیری و روش‌های درمانی استفاده می‌شد. گفتنی است با توجه به ماهیت موضوع، بیشترین اطلاعات در چارچوب طب اخلاطی و با عطف به آرای طبیبان برجسته سابق ارائه شده است. در این دیدگاه، بیماری وبا در زمره تب‌ها دسته‌بندی شده است که به دنبال بروز هوای وبایی شایع می‌شد. در این رویکرد، مراعات اصول حفظ‌الصحه در قالب تدابیر شش‌گانه برای پیشگیری از ابتلا به بیماری در اولویت قرار داشت. علاوه بر این، از گونه‌های مختلف شفای مذهبی و درمان‌های عامیانه برای پیشگیری و درمان بیماری استفاده می‌شد.

واژه‌های کلیدی: عصر صفوی، وبا، نظام طب، پیشگیری، درمان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2022.37726.2530

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران: parghoo@tabrizu.ac.ir

۳. پژوهشگر پس‌ادکتری، مؤسسه تاریخ و فرهنگ دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول):

javadalipoor@tabrizu.ac.ir

- مقاله مستخرج از طرح پژوهشی پس‌ادکتری با شماره قرارداد ۲۸۸۶/ص با عنوان «سلامت و بهداشت در ایران عصر صفوی» با همکاری دانشگاه تبریز در سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

مقدمه

در طول تاریخ، مفاهیم صحت/مرض و پیشگیری/درمان همراه هم بوده‌اند. بروز بیماری‌های مختلف با ایجاد درد و رنج جسمی و روحی، موجب تلاش انسان برای شناخت و رویارویی با آنها شده است. رویکرد شناختی (تشخیص-چیستی) و رفتاری (شیوه‌های پیشگیری-درمانی) در مقابله با هر بیماری در هر دوره تاریخی، در تناسب با نظام فکری و چارچوب معرفتی نظام طب آن دوره شکل می‌گیرد. در نظام طب ایران عصر صفوی، به ترتیب دیدگاه‌های طب مبتنی بر اخلاط چهارگانه (طیبیان)، مفاهیم شفای مذهبی (جامعه دینی و علما) و باورهای عامیانه و جادویی، به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بودند. شناخت و درمان انواع بیماری‌ها از جمله وبا، متناسب با دیدگاه‌های مذکور انجام می‌شد. با توجه به ماهیت موضوع، بیشتر اطلاعات برگرفته از دیدگاه طبیبان در چارچوب طب اخلاطی بوده است؛ هرچند به فراخور بحث، دیدگاه گروه‌های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر، به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و داده‌ها با رویکرد توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. از شاخصه‌های پژوهش حاضر، استفاده از نسخ خطی و چاپ سنگی طبی عصر صفوی است که در مطالعات تاریخی نادیده گرفته می‌شود. شاخصه دیگر، شناسایی و تبیین نوع شناخت، شیوه‌های پیشگیری و درمان بیماری وبا از زاویه فهم ایرانیان عصر صفوی به‌ویژه طبیبان است.

تا آنجا که نگارندگان مقاله حاضر اطلاع دارند، طب ایران عصر صفوی چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته و درباره بیماری وبا با کاستی‌هایی همراه است. «سیریل الگود» در کتاب *طب در دوره صفویه* (Elgood, 1970) وضعیت عمومی پزشکی در عصر صفوی را مورد بررسی قرار داده است. اگرچه نویسنده به فراخور بحث، به بیماری‌های مختلفی اشاره کرده، اما درباره بیماری وبا تقریباً هیچ اطلاعاتی ارائه نداده است. مقاله «نگرش‌های گروه‌های مختلف اجتماعی به بیماری وبا و طاعون در ایران عصر صفوی براساس منابع مکتوب» (جین و رازنهان، ۱۳۹۹: ۲۱-۴۲) اطلاعاتی درباره سیر بیماری‌های طاعون و وبا در عصر صفوی به دست داده، اما از جهاتی چند قابل نقد است. عدم تفکیک دو بیماری وبا و طاعون و «هوای وبائی» و «حمی وبائی» از یکدیگر، باعث شده است نویسندگان در ارائه رویکرد شناختی و رفتاری در مقابله با بیماری وبا، به‌ویژه از منظر طبیبان ناموفق باشند. به‌طور کلی داده‌های این پژوهش درباره نوع شناخت و درمان بیماری وبا، مغشوش و بدون هیچ‌گونه شناخت و آگاهی نسبت به نظام رایج طب ایران عصر صفوی است. از بُعد منبع‌شناختی، مقاله مذکور در استفاده از منابع طبی به عنوان لازمه تحقیق در حوزه تاریخ پزشکی، ضعیف است. در مقاله «طاعون در

ایران عصر صفوی» (پرغو و علیپور سیلاب، ۱۳۹۶: ۳۳-۵۵) به بررسی تاریخچه و شیوه‌های پیشگیری و درمانی بیماری طاعون در عصر صفوی پرداخته شده است که در آن اشاراتی مختصر به بیماری وبا و هوای وبائی وجود دارد.

با توجه به این کم‌توجهی، نگارندگان پژوهش حاضر درصدد ارائه رویکرد شناختی و رفتاری در مواجهه با بیماری وبا در چارچوب نظام طب ایران عصر صفوی می‌باشند که از طریق سؤال‌های زیر بدان پرداخته شده است:

- بروز وبا در عصر صفوی چه عواقبی به دنبال داشت؟

- فهم طبیبان عصر صفوی از «هوای وبائی» و «بیماری وبا» چه بود و شیوه‌های پیشگیری

و روش‌های درمانی چگونه انجام می‌گرفت؟

فرضیات مطرح شده برای پرسش‌های فوق چنین است: تلفات انسانی و عواقب بد اقتصادی و اجتماعی، نتیجه بروز وبا در جامعه ایران عصر صفوی بود. شناخت، پیشگیری و درمان بیماری وبا، متناسب با مبانی معرفتی طب اخلاطی، شفای مذهبی و طب عامیانه انجام می‌شد. طاعون و وبا دو بیماری مجزا و متفاوت از هم می‌باشند. وبا در زمره تب‌ها و طاعون در زمره اورام و بثور دسته‌بندی شده است. طبیبان بروز بیماری وبا را به دنبال شیوع هوای وبائی بیان کرده‌اند. شیوه‌های پیشگیری و درمانی وبا عمدتاً توسط طبیبان و در چارچوب نظام طب اخلاطی ارائه می‌شده است.

مبانی معرفتی و شناختی طب در عصر صفوی

مبانی معرفتی و شناختی نظام طب ایران در عصر صفوی، از سه حوزه «طب مبتنی بر اخلاط چهارگانه»، «مفاهیم شفای مذهبی» و «طب عامیانه و جادویی» بهره می‌برد. شناسایی، پیشگیری و درمان انواع بیماری‌ها از جمله وبا، در چارچوب این نظام انجام می‌شد. مبانی معرفتی و دانشی طبیبان عصر صفوی، علاوه بر مشاهدات تجربی و بالینی خودشان، اغلب از طبیبان برجسته قبلی و در چارچوب طب اخلاطی اخذ شده است. تکرار نام اطبایی چون «شیخ بوعلی»، «محمدبن زکریای رازی» و «جرجانی» و ارجاع به کتاب‌های *قانون*، *الحاوی* و *ذخیره* و انواع «قربادین‌ها»^۱ مبین این نکته است. طب اخلاطی در دو قسمت نظری و عملی قابل تقسیم‌بندی است. در بخش نظری، اصول و مبانی به وجود آمدن صحت و تعادل بدن فرد، یعنی «امور طبیعی» شامل هفت جزء «ارکان»، «امزجه»، «اخلاط»، «اعضا»، «ارواح»، «قوا» و

۱. کتاب‌هایی که در آن خواص ادویه و انواع داروها مورد اشاره قرار گرفته است.

«افعال» مورد توجه قرار می‌گیرد. براساس پیش‌فرض‌های این حوزه معرفتی، هدف از عملکرد اجزای امور طبیعی، انجام درست و سالم یک فعل است؛ لذا بروز نقص در عملکرد فعلی بدن، نشان‌دهنده ایجاد مشکل در یکی از حلقه‌های این زنجیره است. اساس تشخیص و درمان در طب اخلاطی، بر همین پایه استوار است. هدف طب عملی، بحث درباره کیفیت معالجات و بازگرداندن صحت زایل شده است که در دو دسته «تدابیر حفظ‌الصحة» و «علاج بیماری‌ها» قابل تقسیم‌بندی است. تدابیر حفظ‌الصحة ذیل عنوان «سته ضروری» بیان سفارش‌هایی برای حفظ بدن در برابر هوا، تغذیه و اشربه، تحرک و سکون، خواب و بیداری، دفع مواد غیرضروری و حفظ مواد ضروری و حالات روانی است که افراد با به کار بستن آن می‌توانستند به سطح مطلوبی از سلامت دست یابند. در صورت ابتلا به بیماری، شیوه‌های درمانی مختلفی به صورت درمان به ضد در طب اخلاطی توصیه شده است.

دومین حوزه معرفتی نظام طب عصر صفوی، ذیل شفای مذهبی قابل بررسی است که پایه‌های آن منبعث از برخی آیات قرآن (نحل، آیات ۶۷-۶۸؛ اسراء، آیه ۸۲؛ شعراء، آیه ۸۰)، احادیث منتسب به پیامبر (ص) و ائمه (ع) است (قاطع قزوینی، [ت.ک: ۱ قرن ۱۲ق]: ۴۸۲ به بعد؛ واعظ کاشانی، قرن ۱۰: صفحات مختلف؛ ادعیه و اعمال سفر، [ت.ک: ۱۱۲۷ق]: صفحات مختلف). در این دیدگاه شفا دهنده اصلی پروردگار است و شفاگیری و استشفاء از طریق تمسک به قرآن کریم، تربت امام حسین (ع)، اوراد و تعویذها، توسل به مقابربقعه بزرگان، صدقه دادن، قربانی کردن و انواع دعاها (صالح شیرازی، [ت.ک: ۱۲ قرن]: ۱۳-۳۰؛ احسانی حسینی، ۱۰۸۹ق: ۳۵۱-۳۵۴؛ فیض کاشانی، قرن ۱۱ق: ۲-۱۳؛ داماد، [ت.ک: ۱۲۶۷ق]: ۱۸۰-۱۹۰، ۲۲۶-۲۳۰، ۳۲۶-۳۳۲؛ منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۹۲) انجام می‌شد. سومین حوزه معرفتی که به نوعی با هر دو حوزه گفته شده آمیختگی داشت، رویکردهای مبتنی بر طب عامیانه در قالب درمان‌های جادویی بوده است (هفتاد و دو دیو و پری، [ت.ک: ۱۱۲۸ق]: ۳۳۷-۴۲۰؛ ابونصری هروی، ۱۳۵۶: ۷۴).

تاریخچه بیماری وبا در ایران عصر صفوی

با وجود کم‌توجهی منابع تاریخی نسبت به گزارش بیماری‌ها، دو بیماری وبا و طاعون به سبب تلفات انسانی و تبعات اقتصادی-اجتماعی، در برخی گزارش‌ها و اغلب به صورت همزمان مورد اشاره قرار گرفته‌اند. شیوع طاعون به دنبال بروز هوای وبائی، دلیل این یکسان‌انگاری

۱. منظور تاریخ کتابت است.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۴۳

است (پرغو و علیپور سیلاب، ۱۳۹۶: ۳۳-۵۵؛ کثیری و افشاری فر، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۳۸)، درحالی که ماهیت و علائم دو بیماری متفاوت از هم است. وبا در مبحث «حمیات» و طاعون در مبحث «اورام و بثور» دسته‌بندی شده‌اند.

نخستین گزارش درباره شیوع وبا در اوایل عصر صفوی را «فضل الله روزبهان خنجی» ارائه داده است (خنجی، ۱۳۸۲: ۲۳۱-۲۳۳). مطابق این گزارش، با شیوع «هوای وبائی» در دارالسلطنه تبریز، مردم دسته‌دسته جانشان را از دست دادند. شاه با شنیدن این خبر، از ورود به شهر خودداری کرده بود و راهی اردبیل و سراب شد. در دوره شاه اسماعیل و همزمان با آغاز درگیری‌ها با حکومت عثمانی، گزارش‌هایی از بروز وبا در آنتولی در سال ۹۲۹ق.^۱ وجود دارد که همراه با قحطی و مرگ شش‌هزار تن بود (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۴۲). شیوع وبا در آنتولی موجب نگارش کتابی به زبان فارسی به نام نصیحت‌نامه سلیمانی توسط «محمد حکیم‌بن مبارک» (قرن ۱۰ق: ۵۶-۵۷) برای سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۴ق) شد که در آن اطلاعات مفصلی راجع به بیماری وبا ارائه شده است.

برای حدود پنجاه سال گزارشی از وقوع وبا در منابع وجود ندارد. شیوع وبا و طاعون در سال ۹۸۸ق. در بلاد آذربایجان، شهر تبریز، قزوین و ایروان موجب قحط و غلا و فوت شش‌هزار نفر گردید (الحسینی القمی، ۱۳۸۳: ۷۱۳/۲، ۷۲۳؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/۲۶۱). وبای سال ۱۰۰۱ق. دارالسلطنه قزوین موجب شده بود بسیاری از مردم شهر را ترک کنند و پراکنده شوند. نتیجه بروز وبا در قزوین، فوت «خلقی نامحدود» بود. گزارشی از همین دوره، به بروز «وبائی عظیم» به سبب عفونت هوا در بین سپاهیان در نیمروز سیستان و متفرق شدن نیروها اشاره دارد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۴۸۳/۲-۴۸۵). در سال ۱۰۳۳ق. بروز وبا در نزدیکی موصل، منجر به توقف درگیری بین نیروهای عثمانی و صفوی شد. در همین سال، وبا در نقاط مختلف آذربایجان شیوع یافت و در اردبیل تلفات بیست‌هزار نفری به همراه داشت. در مناطق مشکین، سراب، گرمرو و خلخال تعداد تلفات نزدیک به هشتاد تا صد هزار نفر بود. این بیماری به محال طارم و قزوین نیز سرایت کرده بود و تلفاتی به همراه داشت (ترکمان، ۱۳۸۲: ۳/۱۰۱۹-۱۰۲۲).

برخی گزارش به شیوع وبا در سال ۱۰۴۵ق. در بغداد و اردبیل (واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۳۶-۲۴۱) اشاره دارد. در سال ۱۱۲۳ق. به دنبال شورش «میر ویس» و به هنگام محاصره قلعه قندهار توسط «خسروخان گرجی»، شیوع وبا در بین نیروهای قزلباش، موجب شکست آنها

۱. تمامی تاریخ‌ها براساس تقویم هجری قمری است.

شد (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۱۶). در سال ۱۱۴۲ق. به دنبال حمله «اشرف افغان» به شیراز، وبا در شهر شیوع یافت و حدود سی هزار نفر جان خود را از دست دادند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۰۰/۱، ۵۱۱).

با توجه به اطلاعات گزارش‌های تاریخی، نکاتی چند درباره وضعیت اجتماعی-اقتصادی به هنگام بروز وبا قابل ردیابی است. مطلب نخست مربوط به بروز اختلال در امور حکومتی و تلفات جمعیتی به دنبال بروز وباست که در بیشتر گزارش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. تلفات به هنگام شیوع طاعون، متعاقب هوای وبائی بسیار گسترده‌تر بود. مطلب دیگر، بروز قحط و غلا به هنگام و به دنبال بروز هوای وبائی و شیوع بیماری وباست. این نکته نشانگر آن است که در ایام وبا، کشاورزی و دامداری با مشکل روبه‌رو شده بود و افراد بیشتر در صدد حفظ جان‌شان بودند. گزارشی درباره چند دهه قبل از برآمدن صفوی (خواندمیر، ۱۳۸۳: ۵۷۳/۳)، از به تعویق افتادن برداشت محصول گندم در شهر اصفهان وجود دارد. بروز اختلال در کشاورزی باعث ایجاد مشکلاتی در تغذیه انسان و دام و نهایتاً موجب بروز قحطی در منطقه وبائی می‌شد که این مسئله به افزایش تلفات بیماری می‌انجامید. مشکلات روحی-روانی و اضطراب ناشی از وقوع وبا، با ایجاد مشکل در روند زندگی روزمره و تهیه آذوقه و گذران معیشت، باعث افزایش تلفات انسانی می‌شد. در ادامه بحث، رویکرد شناختی و رفتاری در مقابله با بیماری وبا در عصر صفوی تبیین شده است.

رویکرد شناختی؛ ماهیت بیماری وبا (چیستی، تشخیص و علت‌یابی)

نوع شناخت وبا (cholera) به عنوان یک بیماری عفونی و همه‌گیر (De Planhol & Balland, 2011: 504-511) که به لحاظ زمانی عمدتاً در اواخر تابستان و اوایل پاییز رواج می‌یابد (Azizi & Azizi, 2010: 51-55)، رابطه مستقیمی با مبانی معرفتی سه‌گانه گفته شده دارد. مطابق با باورهای عامیانه، اتفاقات نجومی چون «قمر در عقرب» افتادن، نشانگر بروز بیماری‌های وبا بود (ابونصری هروی، ۱۳۵۶: ۷۴). طبق دیدگاه گروه دینی، تقدیر الهی، واقع شدن نخستین روز ماه محرم در روز شنبه یا یکشنبه (مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۷۸/۲، ۶/۴؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۲۱/۳-۱۰۲۲) و ترک ادب نسبت به مقدسات (الحسینی القمی، ۱۳۸۳: ۸۹۸/۲)، در بروز بیماری وبا مؤثر است. براساس پیش‌فرض‌های این دیدگاه، بروز وبا نتیجه اعمال گناه خود افراد و هدف غائی آن تنبه و توبه است (موسوی جزائری شوشتری، ت.ک: ۱۲۸۴ق: ۴۳). اطلاعات بیشتر درباره ماهیت بیماری وبا و تفاوت آن با طاعون و چیستی «هوای وبائی» و «حمی وبائی» را باید در منابع طبی سراغ گرفت.

چیستی و نشانه‌های بروز هوای وبائی

اصطلاح «هوای وبائی» در تعریف طبیبان عصر صفوی چه بود و چه نشانه‌هایی بیانگر بروز هوای وبائی بود؟ از دیدگاه طب اخلاطی و بر پایه نظرات حکمای برجسته سابق که طبیبان عصر صفوی بیشتر اطلاعاتشان درباره بیماری وبا را از آنها (ابن سینا، ۱۳۸۶: ۹۷/۱-۱۰۴، ۱۱۰، ۲۱۰؛ رازی، ۱۴۲۲ق: ۶/۱۵-۴۱۵، ۴۲۸-۴۳۷؛ جرجانی، ۱۳۹۱: ۳۴۳/۲، ۳۵۰، ۳۶۵، ۷۲۷/۴، ۸۲۳/۵-۸۲۷، ۹۳۷-۹۴۱) أخذ کرده‌اند، هوا محیط بر کل بدن است، لذا تعادل و پاکی آن از هر نوع آلودگی موافق مزاج روح انسان و موجب صحت است و بالعکس هوای غیرطبیعی و متعفن همچون هوای وبائی موجب ضرر برای بدن است. هوای وبائی ویژگی‌هایی داشت که در آثار طبیبان (محمدبن عبدالله، ۱۳۸۳: ۱۲۵؛ شاه ارزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۴/۲؛ محمدحسین طبیب، قرن ۱۱: ۷۵-۷۸؛ خراسانی گنابادی، [ت.ک: ۱۱۳۴ق]: ۲۱۳؛ کمال بن نوربن کمال، [بی‌تا]: ۳۳-۳۴؛ قاطع قزوینی، [ت.ک: قرن ۱۲ق]: ۴۰۷؛ شریف، ۱۳۸۷: ۱۶۱؛ دشتکی شیرازی، ۸۶۶-۹۴۸ق: ۴۲؛ بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۲۷۹؛ محمدحکیم‌بن مبارک، قرن ۱۰ق: ۵۹؛ مؤمن‌بن محمدزمان، ۱۳۹۰: ۷۵۰/۱) به صورت کامل بیان شده است. دگرگونی هوا در «کیفیت» (گرمی/سردی) و یا «جوهر هوا» صورت می‌گرفت. طبیبان فساد و تعفن «جوهر هوا» را هوای وبائی نامیده و عوامل آن را بدین صورت دسته‌بندی کرده‌اند: الف. بخارهای حاصل از تعفن اجساد میدان‌های نبرد؛ ب. راکد ماندن و تعفن آب و جابه‌جایی آن از طریق باد؛ پ. خروج یکباره بخارهای فاسد زیرزمینی. طبق نظر طبیبان، بخارهای متعفن علاوه بر آب‌وهوا، گیاهان و زراعت را نیز فاسد می‌کرد. بنابراین در یک زنجیره و از طریق خوردن گیاه توسط حیوان و خوردن حیوان توسط انسان، تعفن به انسان منتقل و فرد به وبا مبتلا می‌شد. نشانه‌های ارضی و سماوی بیانگر بروز هوای وبائی و قریب‌الوقوعی وبا بدین بود:

- بهم‌ریختگی و نامشخص بودن فصول، بارش‌های بی‌موقع و کم.
- تغییرات جوی چون کدورت، سرخی، غبارناکی یک روز در میان هوا و برآمدن گاهی صاف و گاهی مکرر آفتاب.
- ظهور ستارگان دنباله‌دار.
- بسیاری گیاهانی که باعث فساد و تعفن جوهر هوا می‌شدند.
- وزش باد جنوب.
- افزایش جوشش خون، بثور و بیمار شدن تعداد زیادی از مردم و حیوانات.
- رفتار برخی حیوانات چون ترک محل وبائی و فرار پرندگان چون لک‌لک و پرستو، افزایش حشرات متولد شده از عفونت و بیرون آمدن حیوانات زیرزمینی چون موش، مار و عقرب.

حمی وبائی (چیستی و علائم بالینی)

در تقسیم‌بندی امراض، وبا ذیل تب‌ها و با عناوینی چون «تب وبائی» یا «حمی عفونی وبائی» و در زمره بیماری‌هایی با طبع «گرم/خشک» دسته‌بندی شده است. روند شروع بیماری بدین صورت بود که با استنشاق و نفوذ هوای وبائی به بدن فرد سالم، ابتدا روح حیوانی و سپس تمامی رطوبات اطراف دل فاسد می‌شد. انتشار ماده فاسده از دل به سایر اعضا چون کبد و مغز و فساد آنها، سبب بروز طیفی از علائم در اعضای بدن فرد می‌شد که به آن «حمی وبائی» گفته می‌شد. این تب می‌توانست حالت همه‌گیر یا اپیدمیک داشته باشد و به فوت ناگهانی تعداد زیادی انسان و حیوانات منجر شود. اگر تب وبائی با طاعون همراه می‌شد، امکان‌هایی بسیار کمتر بود. جوانان دموی مزاج، اطفال، افراد ضعیف‌القوی و دارای بدنی پر از اخلاط ردئیه، چون بیش از همه در معرض ابتلا به بیماری قرار داشتند، نیازمند مراقبت‌های بیشتری بودند. نکته مهم قابل ذکر، مسئله انتقال بیماری از حیوان به انسان و بالعکس است که در دوره جدید کشف شده است، اما این موضوع توسط طبیبان شناسایی و مورد اشاره قرار گرفته است (ابن سینا، ۱۳۸۶: ۹۷؛ جرجانی، ۱۳۹۱: ۹۳۸/۵؛ بهاء‌الدوله رازی، ۱۳۸۷: ۱۴۹، ۲۷۷).

علائم مبتلایان به حمی وبائی بدین صورت دسته‌بندی شده است:

- نبود گرمای ظاهری بدن همراه با اندوه، بی‌تابی، تشویش، اضطراب و حرارت قوی و سوزان باطنی.
- تنفس غیرطبیعی، متواتر، بدبو و تنگی نفس. بدبویی نفس، نشان قوت عفونت، نهایت پیشرفت بیماری و فوت قریب‌الوقوع بیمار بود.
- تعفن و بدبویی و لزجی تعریق بیمار.
- صغیر و متواتر بودن نبض بیمار.
- ادرار رقیق و مدفوع بدرنگ/ بدبوی و کفناک و برخی مواقع سیاه‌رنگ.
- بروز آسیب و بزرگی سپرز (طحال) و ایجاد حالتی شبیه به استسقا همراه با درد دل و فم معده.
- تهوع شدید و متمادی، به‌ویژه قیء صفاوی (زیاد) و سوداوی.
- بی‌اشتهایی، درد در سر معده به جانب دل و سرفه خشک.
- عطش شدید، خشکی زبان و دهان، آماسیدگی بن دندان‌ها و درون دهان، بی‌خوابی و سستی اندام‌ها.
- اختلاط عقل و ایجاد حالت غشی که بسیاری غشی، بیانگر نزدیکی فوت بود.
- بروز و ناپدید شدن یکبارهٔ بثور سرخ یا سرخ/سفید بر ظاهر بدن که نشانگر ابتلا به

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۴۷

طاعون و نزدیکی فوت مریض بود.

➤ تب شدید به هنگام شب و بروز عوارض مغزی چون لیثرغس (سرسام سرد) و تشنج و کزاز.

➤ سقوط شهوت و اسهال (شاه ارزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۴/۲-۱۰۸۵؛ خراسانی گنابادی، [ت.ک: ۱۳۴ق]: ۲۱۳-۲۱۴؛ دشتکی شیرازی، ۸۶۶-۹۴۸ق: ۴۲؛ شریف، ۱۳۸۷: ۱۶۳-۱۶۱؛ محمدحسین طیب، قرن ۱۱: ۷۵-۷۷؛ محمد حکیم بن مبارک، قرن ۱۰ق: ۶۴-۶۶؛ بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۱۰۱، ۱۴۹، ۲۷۶-۲۷۷؛ محمد بن عبدالله، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

رویکرد رفتاری (شیوه‌های پیشگیری - روش‌های درمانی)

۱. تدابیر هوای وبائی

با توجه به شناسایی تنفس هوای وبائی به عنوان عامل بیماری‌زا، گام نخست متوجه کنترل و پیشگیری از عوارض هوای وبائی بود. نرفتن به محل وبازده، دوری از بوهای بد و ترک محل وبازده و نقل هوا، نخستین سفارش طبیبان و گروه‌های دینی (موسوی جزائری شوشتری، ت.ک: ۱۲۸۴ق: ۱۰۹-۱۱۰) بود. در صورتی که ترک محل به سبب نداشتن «قوت و قدرت رفتن» میسر نبود (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۵۳۲)، به منظور جلوگیری از ورود هوای متعفن به بدن، بر اصل «در خانه ماندن» تأکید می‌شد (محمدحسین طیب، قرن ۱۱: ۷۸؛ مجموعه طبیبی فارسی، [بی‌تا]: ۲۰۱-۲۰۳؛ محمدحکیم بن مبارک، قرن ۱۰ق: ۱۵).

برای کاستن از ضرر هوای وبائی، توصیه‌هایی درباره انتخاب محل اسکان و اصلاح هوای خانه از طریق استعمال «معطرات» و «مجففات» وجود داشت (کمال بن نوربن کمال، [بی‌تا]: ۳۵-۳۶؛ محمدحکیم بن مبارک، قرن ۱۰ق: ۵۷، ۸۴-۸۶؛ شاه ارزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۵/۲-۱۰۸۶؛ شریف، ۱۳۸۷: ۱۳۸، ۱۶۲-۱۶۳؛ مجموعه طبیبی فارسی، [بی‌تا]: ۲۰۳-۲۰۴؛ محمدحسین طیب، قرن ۱۱: ۷۶-۷۸، ۸۱؛ خراسانی گنابادی، [ت.ک: ۱۳۴ق]: ۲۱۴؛ بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲، ۱۷۰، ۲۷۹؛ گیلانی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۵؛ شاه ارزانی، ۱۲۶۸ق: ۳۵۴؛ یوسفی هروی، ۱۳۸۲: ۱۶۹). اگر سبب فساد هوا، عامل ارضی بود، سفارش بر ترک فضاهای بسته، سکونت در خانه‌هایی با سقف بلند و یا مکان‌های مرتفع بیرون شهر بود؛ بالعکس اگر عامل، سماوی بود، ماندن و اسکان در خانه‌های مسقف و دارای روزنه‌هایی رو به شمال، سرداب‌ها و زیرزمین توصیه می‌شد. به هنگام نیاز به تهویه، استفاده از مروحه و بادبزن توصیه می‌شد. استفاده مرتب از برگ و شاخ گیاه «مورد» در اطراف خانه برای اصلاح و ضد عفونی کردن هوا

و ساختن پشه خانی از کتان و تر کردن فرش و کرباس آن با شاخ و برگ گیاه مورد، سرکه پیازی و یا آنگوزهٔ محلول در سرکه و نیز خیساندن پیراهن به چیزهای تریاقیه، نافع بود و سفارش می‌شد. همچنین بستن پرده‌ای خیس با صندل/گلاب بر در خانه اثربخش و نافع بود. برای افزایش لطافت و خوشبوسازی هوای داخل خانه، چیدن میوه‌های معطر چون سیب، به، لیمو، ترنج، نارنج و امروود توصیه می‌شد. اگر بیمار در داخل خانه قرار داشت، مالیدن گلاب، کافور، عنبر، مشک، صندل و سرکه بر سینه و قرار دادن ریحان، بید مشک، ترنج، شاهسفرم، ترخون، لیمو، سیب، آبنوس و غیره نزد وی توصیه می‌شد. طبیبان استنشاق رایحهٔ معطر، مفرح و خوش را موجب تقویت دل و مغز می‌دانستند. برای اصلاح و رفع عفونت هوای محل اسکان بیمار، استفاده از انواع بخور با موادی چون کافور، صندل، بنفشه، نیلوفر، لادن، قطران و دود با چوب‌های صندل، گز و سرو توصیه می‌شد. قرار دادن ظرف بخور در فاصله‌ای دورتر نسبت به مریض و انجام بخور و دود به حد اعتدال، ضروری بود. برای مراعات حال مراقب بیمار، لازم بود درب محلی که بیمار در آن قرار داشت، برای مدتی باز بماند و بعد از تهویهٔ هوا و انجام بخورهایی برای رفع عفونت وبائی، مراقب به نزد بیمار می‌رفت. دیگر سفارش طبیبان، استفاده از لته [ماسک امروزی] خیسانده به سرکه، پیاز، سیر و آب‌غوره نزدیک بینی در داخل و یا بیرون از خانه بود (شریف، ۱۳۸۷: ۱۶۲). تدابیر مختلف مذکور کاربرد دوگانه داشت. مراعات این تدابیر برای افراد سالم به منظور پیشگیری و برای محل اقامت و اسکان بیمار، به منظور رفع عفونت سفارش می‌شده است.

۲. پاک‌سازی بدن با استفراغات

یکی از اصول ستهٔ ضروریه در ایام هوای وبائی، پاک‌سازی و تخلیهٔ بدن از مواد و سموم زائد از طریق کاربرد روش‌هایی چون فصد، حجامت، تنقیه، تعریق و ادویه قی‌آور/مسهل/ملین/مدر بود. توصیه بر این بود که به هنگام بروز تب وبائی، افراد سالم فوراً تن خود را از خلط غالب پاک کنند. این کار ضمن دفع مادهٔ سرایت طاعون و سایر امراض وبائی، به کاهش رطوبت و افزایش خشکی بدن فرد کمک می‌کرد. فصد بیمار باید قبل از بروز ضعف و نشانه‌های قوی در بدن، انجام می‌گرفت. اگر کسی عادت به فصد نداشت، سفارش به انجام حجامت و در غیر این صورت، توصیه به خواب زیاد و کم‌خوری می‌شد. روش‌های دیگر استفراغ، توصیه به تنقیه و استعمال داروهای قی‌آور و ادویهٔ ادرارآور چون آب کاسنی، شیرهٔ تخم کاسنی یا تخم خیارین بود (کمال‌بن نوربن کمال، [بی‌تا]: ۳۵؛ محمدبن عبدالله، ۱۳۸۳: ۶۱۸؛ شاه ارزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۶/۲؛ بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۲۷۷-۲۷۹؛ دشتکی شیرازی، ۸۶۶-۹۴۸ق: ۴۲؛ محمدحسین طبیب، قرن ۱۱: ۷۹-۸۰).

۳. تدابیر تغذیه و اشربه

از اصول حفظ الصحة در قالب تدابیر شش گانه، مراعات تدابیر تغذیه‌ای و اشربه توصیه شده توسط طیبیان (بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲، ۲۷۲-۲۷۸؛ خراسانی گنابادی، [ت.ک: ۱۳۴ق]: ۲۱۴؛ شاه ارزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۵/۲-۱۰۸۷؛ کمال بن نورین کمال، [بی تا]: ۳۶؛ مجموعه طبی فارسی، [بی تا]: ۲۰۱-۲۰۴؛ محمدحسین طیب، قرن ۱۱: ۷۶-۸۰؛ شریف، ۱۳۸۷: ۱۶۲-۱۶۳؛ محمدبن عبدالله، ۱۳۸۳: ۶۱۸؛ دشتکی شیرازی، ۸۶۶-۹۴۸ ق: ۴۲؛ گیلانی، ۱۳۸۷: ۵۵) در زمان بروز هوای وبائی برای افراد سالم به منظور در امان ماندن از بیماری و برای بیماران به منظور رفع بیماری بود. با توجه به دسته‌بندی وبا در زمره بیماری‌های گرم و خشک، استفاده از خوراکی‌ها و نوشیدنی‌هایی با طبع سرد و خشک توصیه می‌شد. پرهیز از پرخوری، عدم تغییر در عادات غذایی، در هم نخوردن و اجتناب از برخی خوراکی‌ها چون گوشت، به‌ویژه گوشت گوسفند، شیرینی و چربی، در زمان بروز هوای وبائی ضروری بود. هوای وبائی امکان تأثیرگذاری بر میوه‌ها، نبات‌ها، سبزی‌ها و حبوبات را داشت؛ به همین دلیل استفاده از نبات و میوه به عمل آمده در زمان هوای وبائی، به سبب امکان ضرر، منع شده بود. استفاده از میوه‌ها در زمان هوای وبائی بستگی مستقیمی با طبع میوه داشت. استفاده از میوه‌های شیرین چون خربزه و انجیر به سبب تعفن سریع خلط میوه منع می‌شد، اما خوردن میوه‌هایی با طبع سرد و تر چون خیار و هندوانه خنک به وفور توصیه می‌شد. در کنار منعیات، سفارش‌های تغذیه‌ای متناسب با ایام وبائی برای افراد سالم و بیمار ارائه شده بود. تشنگی و گرسنگی برای بیمار خطرناک و نیازمند اجتناب بود. باید به هر شکل ممکن، اندک اندک و به اجبار طعام به اندازه به مریض خورانده می‌شد. توصیه بر این بود که تغذیه ایام وبائی مایل به سردی و خنکی، ترش، کم‌رطوبت، خشک‌کننده، کم‌چرب، سریع‌الهضم، مانع‌العفونت و مقوی‌القوی باشد. تشنگی برای بیمار به سبب تحلیل قوای روح، بسیار خطرناک بود. سفارش بر این بود که نوشیدنی‌های تهیه شده برای بیمار دارای طبع سرد و خشک باشد تا ضمن دفع عفونت اخلاط، سبب هضم بهتر طعام شود. توصیه پرتکرار، استعمال سرکه و افزودن آن به آب و سایر نوشیدنی‌ها، آب‌لیمو و انواع رب‌های ترش در داخل اشربه بود. نوشیدن مقدار زیاد و یکجای آب سرد برای مبتلایان به تب وبائی تا جایی که مریض احساس خنکی می‌کرد، نافع بود. بالعکس نوشیدن مقدار کم آب، نه تنها هیچ نفعی نداشت، بلکه می‌توانست سبب تهییج حرارت بدن بیمار و عوارض بعدی شود.

۴. تدبیر حرکت نفسانی

اعراض نفسانی جایگاه بسیار مهمی در سلامت انسان دارد. بروز حالات روحی و روانی در تعادل یا غیرمتعادل شدن مزاج و افزایش یا کاهش میزان سلامت فرد مؤثر است. توصیه بر این بود (محمدحکیم بن مبارک، قرن ۱۰: ۱۰۵-۱۱۱؛ مجموعه طبیبی فارسی، [بی تا]: ۲۰۳؛ خراسانی گنابادی، [ت.ک: ۱۱۳۴ق]: ۲۱۴؛ صالح شیرازی، [ت.ک: قرن ۱۲]: ۴۳-۴۴؛ بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۱۵۲؛ محمدحسین طبیب، قرن ۱۱: ۷۶-۷۷؛ شریف، ۱۳۸۷: ۱۶۲؛ شاه ارزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۶/۲؛ کمال بن نوربن کمال، [بی تا]: ۳۵) که افراد سالم برای حفظ صحت، از ریاضت به دور باشند. یکی از حالات روحی در زمان هوای وبائی، ایجاد ترس و اضطراب بود که برای مقابله با آن، شادی به اندازه برای تقویت و حفظ صحت بدن توصیه می شد. غضب، غم، خوف و ترس به علت ایجاد ضعف قوت و تحریک اخلاط جایز نبود. وهم و ترس، به ویژه ترس از سرایت طاعون، مذموم شمرده می شد. برای رفع خوف، استفاده از مفرحات، مشجعات، اشتغال به حکایات و احادیث مفرحه و آلات مطربه چون سماع ساز، عود و چنگ توصیه شده بود.

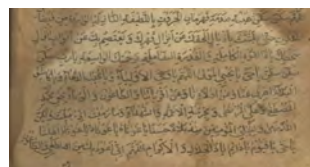
۵. تدابیر دارویی بیمار وبائی

بسته به دوره زمانی بیماری، روش های برخورد با بیمار متفاوت بود. با بروز علائم بدنی چون طرنجیده شدن پهلوها و پوست شکم، سردی دست و پا، اختلال در خواب و تنفس و بیهوشی در بیمار، لازم بود ضمادهای سرد را از روی سینه بردارند و بیمار به جامه و لحاف گرم پوشانیده شود تا حرارت به ظاهر تن برگردد. پاشویه و مالش بدن بیمار در این زمان نافع بود. انجام تدابیری برای تقویت قلب بیمار ضروری بود. استفاده از مفرحات بارده و رایحه های سرد و خنک توصیه می شد. از مفرحات نافع می توان به خاکشیر، عرق بیدمشک و نیلوفر و شربت هایی چون عناب و صندل اشاره کرد. استفاده از تخم کاسنی، تخم خیار، تخم گشنیز و تخم کاهو، چند روز پس از سپری شدن مرض، سفارش شده بود. از نمونه داروهای مورد استفاده در شکل های مختلف برای درمان وبا، می توان به موارد زیر اشاره کرد: قرص کافور، قرص تباشیر، اترج-ترنج، گل ارمنی، شبرم، کیناکین (محمدحسین طبیب، قرن ۱۱: ۷۸-۸۰؛ شاه ارزانی، ۱۳۸۰: ۲۰۳؛ قاطع قزوینی، [ت.ک: قرن ۱۲ق]: ۱۶۹-۱۷۰، ۲۵۲؛ مجموعه طبیبی فارسی، [بی تا]: ۲۰۴؛ بهاءالدوله رازی، ۱۳۸۷: ۲۷۸-۲۷۹، ۳۵۶؛ خراسانی گنابادی، [ت.ک: ۱۱۳۴ق]: ۲۱۴؛ طولوزان یونانی، ۱۳۸۳: ۹۹، ۱۶۴-۱۶۵؛ قرابادین، [ت.ک: ۱۰۰۸ق]: ۵۱؛ یوسفی هروی، ۱۳۹۱: ۱۲۵؛ محمدبن عبدالله، ۱۳۸۳: ۶۲۹-۶۳۰). به لحاظ تاریخی، تجویز استفاده از کیناکین یا همان «گنه گنه» امروزی، نخستین بار توسط طولوزان مورد اشاره قرار گرفته است.

شفای مذهبی

متناسب با مبانی معرفتی مفاهیم شفای مذهبی، از گونه‌های مختلفی چون توسل به خدا و قرآن، دعا، تعویذ، روزه، تصدق به فقرا، استغفار از گناهان، پناه بردن به مکان‌های مقدس و یا صحراها و قربانی کردن حیوانات استفاده می‌شد (موسوی جزائری شوشتری، [ت.ک: ۱۲۸۴ق]: ۱۰۹؛ محمدحکیم بن مبارک، قرن ۱۰: ۱۲۰-۱۲۶؛ قاطع قزوینی، [ت.ک: قرن ۱۲ق]: ۴۹۰-۴۹۲). از پیامبر(ص) و ائمه(ع) دعاهایی برای پیشگیری و رفع و با نقل شده است؛ نظیر این دعا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ يَا مُؤْمِنَ مُهَيْمِنُ يَا قَرِيبُ خَلَّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّعْنِ وَالطَّاعُونَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الْأَمَانُ الْأَمَانُ الْأَمَانُ يَا جَبَّارُ يَا سَتَّارُ يَا عَفَّارُ خَلَّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الْأَمَانُ الْأَمَانُ الْأَمَانُ يَا ذَالنَّعْمَةِ...» (موسوی جزائری شوشتری، [ت.ک: ۱۲۸۴ق]: ۲۷۹-۲۸۲). دعایی از امام صادق(ع) روایت شده است که اگر کسی آن را می‌خواند و همراه با خود و یا در خانه نگاه می‌داشت، خدا او را از شر و با در امان نگاه می‌داشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَهُ خَلْقِكَ بَعْزَهُ عَرْشِكَ بَرْضِي نَفْسِكَ بَنُوْدٍ ... تَجْعَلْ لَنَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَشِفَاءً مِنَ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَالْبَلَاءِ وَالْوَبَاءِ وَالطَّعْنِ وَالطَّاعُونَ وَالْعَتَاءِ» (جنگ نظم و نثر، [ت.ک: ۱۰۷۶ق]: ۹). چسباندن برخی دعاها^۱ بر در خانه برای دفع خوف سفارش شده است (ادعیه و اعمال سفر، [ت.ک: ۱۱۲۷ق]: ۲۱۷).

برخی دعاها برای تأثیرگذاری باید در زمانی خاص خوانده می‌شد. برای نمونه، به منظور رفع و با، این دعا باید به هنگام قربانی کردن گوسفند سیاه و در محل ذبح خوانده می‌شد: «الهِی بِحُرْمَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِلَهِي بِحُرْمَتِ جِبْرَائِيلَ إِلَهِي بِحُرْمَتِ مِيكَائِيلَ إِلَهِي بِحُرْمَتِ إِسْرَافِيلَ إِلَهِي بِحُرْمَتِ عِزْرَائِيلَ إِلَهِي بِحُرْمَتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ إِحْفَظْنَا وَ أَحْفَظْ أَوْلَادَنَا وَ أَحِبَّائِنَا وَ اتَّبَاعِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْوَبَاءِ وَ الطَّاعُونَ يَا حَفِيفُ يَا حَفِيفُ ادرکنی یا رسول الله» (فیض کاشانی، قرن ۱۱ق: ۱۹؛ مجلسی، ۱۱۰۴ق: ۱۱). برخی دعاها برای اثربخشی باید در آب شسته می‌شدند و نوشیده می‌شد. برای نمونه، دعای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلِّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ وَ کُلِّ دَاءٍ وَ دَوَاءٍ وَ بَلَاءٍ وَ قِضَاءٍ وَ وِبَاءٍ وَ طَاعُونَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ يَا حَافِظَ احْفَظْنَا يَا



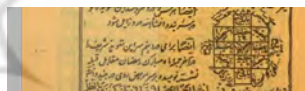
حفیظ یا لطیف» باید به همراه یک شکل خاص نوشته می‌شد،^۱ در آب شسته و نوشیده می‌شد (موسوی جزائری شوشتری، ت.ک: ۱۲۸۴ق: ۲۸۵). همچنین به همراه داشتن^۲ و بستن برخی دعاها به گلو در زمان وبا، فرد را از خطر بیماری مصون نگه می‌داشت (شیخ بهائی، ۱۳۹۲ق: ۵۷). برای دفع و رفع وبا استفاده از برخی داروها و خوراکی‌ها چون پیاز هر منطقه، «گل ارمنی» و «گل مختوم» سیب و شبرم (مجلسی، ۱۳۵۱: ۱۳۸/۴، ۱۶۵/۶، ۱۷۱، ۲۱۸، ۷۰/۱۰-۷۲) به نقل از پیامبر (ص) توصیه شده بود.

طب عامیانه و جادویی

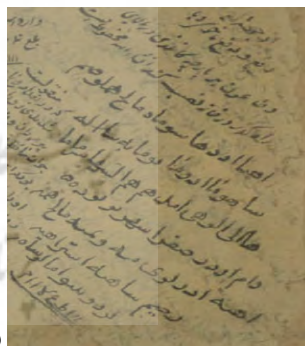
درمان‌های عامیانه و جادویی برای رفع و در امان ماندن از بیماری وبا، به صورت نصب اشکال بر بالای راه گذر خانه و یا به همراه داشتن آن^۳ و یا بلعیدن و خوردن برخی از



۱.

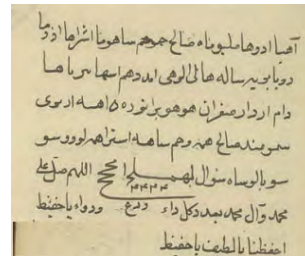


۲.



۳.

(جنگ نظم و نثر، ت.ک: ۱۰۷۶ق: ۹).

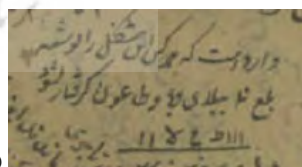


(موسوی جزائری شوشتری، ت.ک: ۱۲۸۴ق: ۲۸۶).

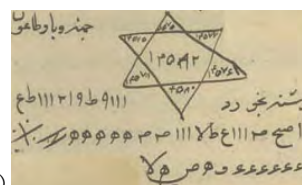
طلسم‌ها^۱ رایج بود.

نتیجه گیری

شناخت، پیشگیری و درمان بیماری وبا در ایران عصر صفوی، در چارچوب نظام طبی آن دوره انجام می‌گرفت. مبانی معرفتی نظام طب عصر صفوی، منبعت از دیدگاه‌های گروه طبیبان در قالب طب اخلاطی و با توجه به آرای طبیبان برجسته سابق، اهل دین در قالب مفاهیم شفای مذهبی (توسل به قرآن، دعا، قربانی) و باورهای عامه (طلسم) بود. دیدگاه گروه طبیبان در چارچوب نظام اخلاطی، در ارائه رویکرد شناختی و رفتاری برای مقابله با بیماری وبا، دارای بیشترین نقش است. در این دیدگاه، وبا ذیل «حمیات» دسته‌بندی شده و شیوع آن به «هوای وبائی» نسبت داده شده است. توصیف طبیبان از هوای وبائی، نشان‌دهنده ارتباط بین تعفن و آلودگی هوا و بیماری‌های عفونی و مسری است. طبیبان به منظور رفع آلودگی و تعفن، تهویه و اصلاح هوا، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی چون استعمال انواع خوشبوکننده‌ها، بخورها، دودها و نیز محلول‌ها را پیشنهاد داده‌اند. شناخت و توجه بیشتر به سفارش‌های طبیبان در این زمینه، در جامعه امروز از دو جهت مطمح نظر است. نخست، استفاده از این توصیه‌ها در جاهایی که احتمال شیوع بیماری وبا وجود دارد. دوم، چون امروزه با پدیده آلودگی و وارونگی هوا مواجهیم، استفاده از این توصیه‌ها می‌تواند دست‌کم در اصلاح هوای منازل مسکونی نافع و راهگشا باشد. آگاهی و شناخت نسبت به منعیات و سفارش‌های طبیبان عصر صفوی درباره تغذیه و اشربه، در حال حاضر می‌تواند در ارائه برنامه غذایی مناسب و مقوی برای بیماران عفونی و وبایی کمک کند. با توجه به طبقه‌بندی بیماری در زمره بیماری‌های گرم و خشک، متناسب با نظام طب اخلاطی، از شیوه درمان به ضد، از مواد خوراکی با طبع سرد و خشک



۱. (جنگ نظم و نثر، ت.ک: ۱۰۷۶ق: ۹).



(موسوی جزائری شوشتری، ت.ک: ۱۲۸۴ق: ۲۸۵).

برای پیشگیری از ابتلا و درمان بیماری استفاده می‌شده است. علاوه بر این، با توجه به فضای فکری، فرهنگی و دینی حاکم بر جامعه، از گونه‌های مختلف شفای مذهبی و درمان‌های جادویی نیز استفاده می‌شد.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

قرآن کریم

ابن‌سینا، حسین‌بن عبدالله (۱۳۸۶)، کلیات قانون، ترجمه فتح‌الله شیرازی، ج ۱، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.

ابونصری هروی، قاسم‌بن یوسف (۱۳۵۶)، *إرشاد الزراعه*، به اهتمام محمد مشیری، تهران: امیرکبیر. ترکمان، اسکندربگ (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، ج ۱، ۲، ۳، تهران: امیرکبیر. افوشته‌ای نظزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.

امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی*، به اهتمام محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

بهاء‌الدوله رازی، بهاء‌الدین‌بن میر قوام‌الدین (۱۳۸۷)، *خلاصه التجارب*، تحقیق و تصحیح محمدرضا شمس اردکانی، عبدالعلی محقق‌زاده، پویا فریدی و زهره ابوالحسن‌زاده، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.

پرغو، محمدعلی و جواد علیپور سیلاب (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «طاعون در ایران عصر صفوی»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، صص ۳۳-۵۵.

جرجانی، اسماعیل‌بن حسن (۱۳۹۱)، *ذخیره خوارزمشاهی*، ج ۲، ۴، ۵، قم: مؤسسه احیاء طب طبیعی. جین، پنگ و محمدحسن رازنهان (تابستان ۱۳۹۹)، «نگرش گروه‌های مختلف اجتماعی به بیماری‌های طاعون و وبا در ایران عصر صفوی براساس منابع مکتوب»، پژوهش‌های علوم تاریخی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۲۲-۴۲.

الحسینی القمی، قاضی احمدبن شرف‌الدین الحسین (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

خنجی، فضل‌الله روزبهان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، به کوشش محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.

خواندمیر، غیاث‌الدین‌بن همادالدین (۱۳۸۳)، *تاریخ حبیب‌السیر*، به کوشش جلال‌الدین همایی، ج ۳،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۵۵

تهران: خیام.

رازی، محمدبن زکریا (۱۴۲۲ق)، *الحاوی فی الطب*، تحقیق و تصحیح هیثم خلیفه طبعی، ج ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

شاه ارزانی، میرمحمد اکبربن محمد (۱۳۸۰)، *میزان الطب*، تصحیح و تحقیق هادی نصیری، قم: مؤسسه فرهنگی سما.

_____ (۱۳۸۷)، *طب اکبری*، تحقیق مؤسسه احیاء طب طبیعی، ج ۲، قم: جلال‌الدین.

شریف، محمد مهدی بن علینقی (۱۳۸۷)، *زاد المسافرین*، به کوشش مؤسسه احیاء طب طبیعی، قم: جلال‌الدین.

طولوزان یونانی (۱۳۸۳)، *اسرار الاطباء یا مجربات ایلات چغتایی*، ترجمه میرزا شهاب‌الدین ثاقب، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.

کثیری، مسعود و راضیه افشاری فر (زمستان ۱۳۹۳)، «تحلیلی بر گسترش بیماری طاعون در ایران دوران فترت و تیموری»، *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال ۲۴، شماره ۲۴، صص ۱۲۱-۱۳۸.

گیلانی، حبیب متطبب (۱۳۸۷)، *ألواح الصحة*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران. مجلسی، میر محمدباقربن محمدتقی (۱۳۵۱)، *آسمان و جهان (ترجمه السماء و العالم بحار الأنوار)*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، ۴، ۶، ۱۰، تهران: الاسلامیه.

محمدبن عبدالله (۱۳۸۳)، *تحفه خانی*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران. مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.

منشی قزوینی، بوداق (۱۳۸۷)، *جواهر الاخبار*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.

مؤمن بن محمد زمان، سید محمد (۱۳۹۰)، *تحفه المؤمنین*، به کوشش مؤسسه احیای طب طبیعی، ج ۱، قم: نور وحی.

واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۲)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، تصحیح، تحقیق و تحشیه محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

یوسفی هروی، یوسف بن محمد (۱۳۸۲)، *طب یوسفی (جامع الفوائد)*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.

_____ (۱۳۹۱)، *ریاض الادویه*، تهران: المعی.

ب. نسخه خطی

احسائی حسینی، شمس‌الدین محمد (۱۰۸۹ق)، *کشف الاخطار فی طب الائمة الاطهار*، نسخه خطی،

- کتابخانه ملی، شناسه کد کتاب: ۸۱۱۸۳۷
- ادعیه و اعمال سفر (ت.ک: ۱۱۲۷ق)، نسخه خطی، شماره مدرک کتابخانه مجلس: ۱۰-۱۳۲۸۷.
- جنگ نظم و نشر (ت.ک: ۱۰۷۶ق)، (نسخه خطی)، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ir۱۰-۲۹۹۳۱.
- خراسانی گنابادی، سلطانعلی [ت.ک: ۱۱۳۴ق]، دستورالعلاج، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۱۰-۷۳۵۳.
- داماد، میر محمدباقر (ت.ک: ۱۲۶۷ق)، ادعیه، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شناسه کد کتاب: ۸۱۴۵۵۹.
- دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین منصور (۸۶۶-۹۴۸ق)، الشافیة (رساله فی الطب)، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ir۱۰-۳۷۲۰۹.
- صالح شیرازی، محمدهادی بن محمد (ت.ک: قرن ۱۲)، چشمه زندگی، نسخه خطی، شماره مدرک کتابخانه مجلس: ۱۰-۶۰۸۳.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (قرن ۱۱ق)، دفع و رفع آفات و بلیات، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شناسه کد کتاب: ۱۹۳۴۶۶۱.
- قاطع قزوینی، حکیم علی افضل (ت.ک: قرن ۱۲ق)، منافع افضلیه، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ir۱۰-۴۶۹۷۴.
- قرابادین (ت.ک: ۱۰۰۸ق)، (نسخه خطی)، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ir۱۰-۱۱۰۳۳.
- کمال بن نورین کمال الطیب (۹۷۴ق). کتاب طبی [نسخه خطی]، شماره مدرک کتابخانه مجلس: ۱۸۵۸۲-ir۱۰.
- _____ [بی تا]، رساله حفظ الصحه، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ir۱۰-۱۸۵۶۷.
- مجلسی، میر محمدباقر بن محمدتقی (۱۱۰۴ق)، برگزیده ادعیه یا کتاب دعا، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شناسه کد کتاب: ۸۱۷۶۸۱.
- مجموعه طبی فارسی [بی تا]، [صاحب کتاب: احتمالاً نظام‌الدین احمد ملقب به حکیم الملک گیلانی]، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره مدرک: ir۱۰-۱۲۱۱۴.
- محمدحسین طیب، محمدباقر (قرن ۱۱)، حمیات، نسخه خطی، با کتابت محمد مؤمن بن محمد نصیر، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۱۰-۷۰۸۶.
- محمدحکیم بن مبارک (قرن ۱۰ق)، حفظ الصحه، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ir ۱۰-۴۸۱۹۵.
- موسوی جزائری شوشتری، سید نعمت‌الله (ت.ک: ۱۲۸۴ق)، مسکن الشجون فی حکم الفرار من الوباء و الطاعون، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره مدرک: ۱۰-۴۲۴۷.
- واعظ کاشفی، علی بن الحسین (قرن ۱۰)، حرز الامان من فتن الزمان، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شناسه کد کتاب: ۲۳۹۲۴۳۴.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۵۷

هفتاد و دو دیو و پری (ت.ک: ۱۱۲۸ق)، با کتابت کر معلی بن نور مهدی قهدریجانی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۳۹۱۰۹-۱۰.ir

پ. نسخه چاپ سنگی

شاه ارزانی، محمداکبر بن محمد (۱۲۶۸ق)، *قربادین قادری دهلوی*، نسخه چاپ سنگی، مطبع احمدی، به سعی شیخ ظفر علی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۱۱۲۱۱-۱۲.ir
شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۳۹۲ق)، *نقش سلیمانی در علوم غریبه خاصه ارواح، سحر، طلسمات*، نسخه چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شناسه کد کتاب: ۱۰۹۰۳۹۵.

ج. منابع لاتین

Azizi, Mohammad Hossein & Farzaneh Azizi (JANUARY 2010), "History of Cholera Outbreaks in Iran during the 19th and 20th Centuries", *Middle East Journal of Digestive Disease*, Vol.2, N.1, pp.51-55 (<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4154910>).
De Planhol, Xavier & Daniel Balland (2011), "CHOLERA", This article is available in print. Vol.V, Fasc.5, pp.504-511 (<https://www.iranicaonline.org/articles/cholera-disease>).
Elgood, Cyril (1970), *Safavid medical practice or the practice of medicine, surgery and gynaecology in Persia between 1500 A.D. and 1750A*, London: Luzac & Company Limited.



List of sources with English handwriting

Persian and Arabic Sources

- Abūnaṣrī heravī, Qāsem b. yūsef heravī(1356š), eršād ol-zīrā'a, edited by Moḥammad mošīrī, Tehran: Amīr kabīr.[In Persian]
- Ad'īye va A'māl-e safar(tārīk-e ketābat1127q),[Unknown author], [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: 10-13287.[In Persian]
- Afūštaī Naṭanzī, Maḥmūd(1373š),Niḡāvat ol-Āṭār, edited by Eḥsān Ešrāqī, Tehran: Elmī va Farhangī.[In Persian]
- Alhosīnī alqomī,qazī Aḥmad(1383š),kolāṣat ol-tawārīk, edited by Eḥsān Ešrāqī, V2, Tehran: Tehran University.[In Persian]
- Amīnī heravī, Amīr ṣadr al-dīn ebrahīm(1383š),fotūḥāt-e šahī, edited by moḥammad reza naṣrī, Tehran: Anjoman-e āṭār va mafaḡer-e farhangī.[In Persian].
- Bahā'-o Dowla, bahā' al-dīn b. mīr Qavām aaldīn(1387š),kolāṣat ol-tajārob, edited by Moḥammadreza šamse ardakanī, Tehran: University of Medical Sciences.[In Persian]
- Daštakī šīrāzī, Ġīyāt āl-dīn(866-948q), alšāfī(resleh fī ṭeb), [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-37209.[In Persian]
- Ebn Sīnā, ḥosseīn b. 'abdollāh(1386),kollīyyāt-e Qānūn, translated by Molla Fathallah šīrāzī, Tehran: University of Medical Sciences.[In Persian]
- Eḥsā'ī hosseīnī, Šamsedīn Moḥammad(1089q),kašfol aḡṭār fī ṭeb-e āl-ā'īma al-aṭḥār, [Persian Manuscript], Tehran: National Library and Archives of Iran, Document Number: 811837.[In Persian][In Persian]
- 'Eynol-molk-e šīrāzī, Moḥammad b. 'Abdollāh(1089q).ṭeb dārāšokūh, kāteb Moḥammad vazīr), [Persian Manuscript], Tehran: Majles Library, Document Number: ir10-48175. [In Persian]
- 'Eynol-molk-e šīrāzī, Moḥammad b.'abdollāh(1332q), āl-fāz-ol Advīyeh, [Persian Lithograph], Tehran: Majles library, Document Number: 9-12551.[In Persian]
- Feyz-e kāšānī, Moḥammad b. Mortazā(qarne11q),Daf' va raf'-e āfāt va balīyyāt, [Persian Manuscript], Tehran: National Library and Archives of Iran, Document Number:1934661.[In Persian]
- Ġīlānī, Ḥabīb Motāṭābeb(1387š), Alvāḥ ol-šeḡa, Tehran: University of Medical Sciences.[In Persian]
- Haftādo do dīv va parī(tārīk ketābat 1128q),kāteb: karamalī b. Nor Mahdī qohdīrjānī, [Persian Lithograph], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-39109.[In Persian]
- Hossīnī fasā'ī, ḥāḡ mīrzā Ḥasan(1382š),Fārsnām-e nāṣerī, edited by Mānšūr Rāstgār fasā'ī, Tehran: Amīr Kabīr.[In Persian]
- Ĵīn, peng, rāznahān, Moḥammad Hasan (1399),"The Views of Different Groups on the Treatment of Plague and Cholera in the Safavid Period: An Analysis Based on Historical Texts", paḡūheš ḥāay-e 'lūme tārīkī, V12, No2, pp21-42.[In Persian]
- Ĵong-e nazm va naṭr (tārīk-e ketābat1076q),[Unknown author], [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-29931.[In Persian]
- Ĵorjānī, Esmā'īl b. Ḥassan(1391),ḡakīrey-e kārāzm-šāhī, V2,4,5, qom: mo'asese āḡā' ṭeb ḡadīmī.[In Persian]

- Kamāl b. nūr Kamāl-āl-ṭabīb(974q), ketāb-e ṭebbī,[Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-18582.[In Persian]
- Kamāl b.nūr Kamāl-āl-ṭabīb(bītā),resāle ḥefz-ol-ṣeḥa, [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-18567.[In Persian]
- Ḳāndmīr, Ġīyāṭ āl-ddīn(1383š), Ḥabīb al-seyar fī aḳbār afrād-e bašar, V3, edited by jalālāldīn homāi, Tehran: ḳayyām.[In Persian]
- ḳaṭīrī, mas'ōūd, Āfšārīfar, rāzye(1393š). "Analysis of the Spread of Plague in Iran, Interval and Timurid Period" (1336-1506 A.C), tāriḳ-e eslām va Iran, year 24, No. 24.[In Persian]
- ḳonjī, faẓlollāh b. Rūzbahān(1382š),Tāriḳ-e 'ālam ārāy-e amīnī, edited by Moḥammad akbar 'šīq, Tehran: Mīrāṭ maktūb.[In Persian]
- ḳorāsānī Gonābādī, solṭān 'Alī(Tāriḳ-e ketābat1134q),Dastūr-ol-'Alāj, [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number:10-7353.[In Persian]
- Majlesī, Mīr Moḥammad bāqer b. Moḥammad Taqī (1351š),Āsemān va jāhān, translated by Moḥammad bāqer kāmare'ī, V: 2.4.6.10, Tehran: Eslāmīyye.[In Persian]
- Majlesī, Mīr Moḥammad bāqer b. Moḥammad Taqī(1104q),bargoḏīdeye Ad'īye yā ketāb-e Do'ā, [Persian Manuscript], Tehran: National Library and Archives of Iran, Document Number: 817681.[In Persian]
- Majmo'e ṭebī (bītā),nezām al-ddīn Aḥmād, [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-12114.[In Persian]
- Mar'ašī Šafavī, Mīrzā Moḥammad ḳalīl(1362š),majma'-ol-Tawāriḳ, edited by Abbās Eqbāl Aštīyānī, Tehran: ketabḳane ṭahorī va sanā'ī.[In Persian]
- Mīr Moḥammad bāqer(Tāriḳ-e ketābat 1267q), Ad'īye, [Persian Manuscript], Tehran: National Library and Archives of Iran, Document Number: 814559.[In Persian]
- Moḥammad b. 'Abdollāh(1383š),Toḥfe ḳānī, Tehran: University of Medical Sciences.[In Persian]
- Moḥammad Ḥosseīn Ṭabīb, Moḥammad bāqer(q11),ḥommīyyāt, kāteb: Moḥammad Momen b. Moḥammad Našīr, [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: 10-7086.[In Persian]
- Momen b. Moḥammad Zamān, Seyyed Moḥammad (1390š),Toḥfat-ol-Mo'menīn, edited by Mo'asese Aḥīā' ṭeb Tabī'ī. 2V, qom: nūr vahy.[In Persian]
- Monšī Qazvīnī, Būdāq(1387š),javāher-ol-Aḳbār, edited by Moḥsen Bahrām Neẓād, Tehran: Mīrāṭ Maktūb.[In Persian]
- Mostofi, Moḥammad Mmoḥsen(1375š),zobdat-ol-Tawāriḳ, edited by beḥrūz Gūdarzī, Tehran: Bonyād moqūfāt maḥmod āfšār.[In Persian]
- Mūsavī jazā'ī Šūštārī, seyed N'mat(tāriḳ-e ketābat1284q),masken -ol-šjūn fī ḥokm ol-farār men āl-vabā va āl-ṭā'on, [Arabic Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: 10-4247.
- Parghu, Mohammad Ali, Alipoor silab, Javad (1396)" Plague in Safavid Iran", Social History study, Volume7, Issue1 - Serial Number13, p33-55.[In Persian]
- Qarābādīn(Tāriḳ-e ketābat 1008q),[Unknown author], [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-11033.[In Persian]
- Qāṭe' Qazvīnī, Ḥakīm 'Alī Afzal(Tāriḳ-e ketābat q12q),Manāfe' Afzalīyye, [Persian Manuscript], Tehran: Majles library, Document Number: ir10-46974.[In Persian]
- Qorāne karīm

- Rāzī, Moḥammad b. Zakarīyā(1422q),al-Ḥāvī fī al-ṭeb, edited by heyṭam ḵalife ṭa'mī, V15, Beirut, dar-ol eḥyāe ṭorāṭ-e ala'rabī.[In Persian]
- Šafā'ī, Moḥammad b. Moḥammad Ḥosseīn(1084q),Qarābādīn, kateb: Mohammad Taqī b. Mohammad Yosef lavāsānī, Amol, [Persian Manuscript], Tehran: Maḵles Library, Document Number: ir10-10600.[In Persian]
- Šāhārzānī, Mīr Moḥammad Akbar b. Moḥammad (1268q),Qarābādīn, [Persian Lithograph],Tehran: Maḵles library, Document Number: ir2-11211.[In Persian]
- Šāhārzānī, Mīr Moḥammad Akbar(1380š),Mīzān ol-Ṭeb, edited by Hadī Nasīrī, Qom: Mo'aseh Farhangī Samā.[In Persian]
- Šāhārzānī, Mīr Moḥammad Akbar(1387š),Ṭeb-e Akbarī, V1,2, edited by Mo'aseh Aḥṭā' -e Ṭeb Qadīmī, Qom: Jalāl-ooddīn.[In Persian]
- Šāleḥ šīrāzī, Moḥammad hādī ebn Moḥammad (tārīḵ-e ketābat: qarne12 q),češme zendgī, [Persian Manuscript], Tehran: Maḵles library, Document Number:10-6083.
- Šarīf, Moḥammad mahdī b. 'Alīnaqī (1387š), edited by Mo'aseh Aḥṭā' -e Ṭeb Qadīmī, Qom: Jalāl-ooddīn. [In Persian]
- Šeyḵ bahā'ī, Moḥammad b. Ḥosseīn(1392q),Naqš-e solymānī dar 'Olom-e ḡarībe ḵāse ārvāh-sehr- Ṭešemāt, [Persian Lithograph], Tehran: National Library and Archives of Iran, Document Number: 1090395.[In Persian]
- Ṭehrānī, Moḥammad Hāšem b. Moḥammad Ṭāher(q12),Dar'-ol-šeḥa, [Persian Manuscript], Tehran: Maḵles library, Document Number: ir10-48091.[In Persian]
- Ṭūlozān, yūnānī(1383š), Asrār ol-Aṭebbā, translated by Mīrzā šāhāb ol-ddīn ṭāqeb, Tehran: University of Medical Sciences.[In Persian]
- Vā'eḗz ḵāšefī, 'Alī b. al-Ḥosseīn(q10q),Ḥarḗ āl-Amān mīn fetan-āl-zamān, [Persian Manuscript], Tehran: National Library and Archives of Iran, Document Number: 2392434.[In Persian]
- Vāle Qazvīnī, Moḥammad Yosef (1382š),Irān dar zamān šāh šafī va šāh 'Abbās dovvom, edited by Mohammadrezā Nasīrī, Tehran: Anḵoman-e Āṭār va Mafāḵer-e Farhangī.[In Persian]
- Yosefī heravī, Yosef b. Moḥammad (1382š), Ṭebb-e Yosefī, Tehran, University of Medical Sciences.[In Persian]
- Yosefī heravī, Yosef b. Moḥammad (1391š), Rīyāz āl-ādvīya, Tehran, al-Ma'ī. [In Persian]

English Sources

- Azizi, MH, Azizi F(2010), "History of Cholera Outbreaks in Iran during the 19th and 20th Centuries", Middle East Journal of Digestive Disease, 2(1), pp: 51–55. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4154910>,(accessed on 2022)
- De Planhol, Xavier, Bolland, Daniel,(2011), "CHOLERA", Vol.V, Fasc.5, pp:504-511. <https://www.iranicaonline.org/articles/cholera-disease>. (accessed on 2022).
- Elgood, Cyril(1970-1357š), Safavid medical practice, or, the practice of medicine, surgery, and gynecology in Persia between 1500 A.D. and 1750A, London: Luzac & Company Limited.



Diagnosis, Prevention, and Treatment of Cholera in Safavid Iran¹

Mohammad Ali Parghoo²
Javad Alipoor Silab³

Received: 2021/09/18
Accepted: 2022/02/24

Abstract

The outbreak of the disease, by afflicting physical and mental health, ultimately results in the death of human beings. The present study is based on the issue: how were the diagnosis, prevention, and treatment of the deadly infectious Cholera in the Safavid era Iranian society? Based on the descriptive-analytical method, the results of this study show that the Iranian medical system during the Safavid era used the humors view (Tebb-e Akhlati, which was done by physicians), concepts of religious healing (religious community and scholars), and vulgar and magical beliefs to fight Cholera. Various prevention and treatment methods were used according to the type of disease.

It should be noted that according to the nature of the subject, most of the information about the approach of physicians is included in the framework of the humors view. In this view, Cholera is classified as a fever that was common following the outbreak of Cholera weather (Havāy-e Wabāī). In this approach, observing the principles of hygiene in the form of six measures (sette zarurieh) to prevent the disease was given priority. In addition, various forms of religious healing and vulgar treatments were used to prevent and treat the disease.

Keyword: Safavid era, Cholera, Medicine system, Prevention, Treatment.

1. DOI: 10.22051/hii.2022.37726.2530

2. Associate Professor of History, Department of History, Faculty of law and Social sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. parghoo@tabrizu.ac.ir

3. Postdoctoral researcher at the Institute of Iranian History and Culture, University of Tabriz, Tabriz, Iran. javadalipoor@tabrizu.ac.ir

- The extracted article is from the postdoctoral research project with contract number 2886/'SAD' entitled "Health and Hygiene in Safavid Iran" with the cooperation of the University of Tabriz in 2021.

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493